

تقویم چوپانی و نجوم کوهستانی در لاله‌زار کرمان

در گزارشی که می‌آید کوشش خواهد شد تا تصاویری که از رسوم و عقاید گاه‌شماری و ستاره‌شناسی مردم کوهستان کرمان ارائه میشود، تا آنجا که ممکن است، با نقوشی که در ذهن آنها حک شده است شبیه باشد. تصاویری که توصیف خواهند شد از دقت و روشنی کامل برخوردار نیستند. چاره نبود. یا بایستی بدقت در جزئیات و ظرائف پرداخت و یا آنکه طرحی کلی و مقدماتی را ارائه داد. در این یادداشت‌ها طریق دومی طی شده است.

خصوصیت برجستهٔ رسوم و عقاید گاه‌شماری و نجومی رایج در بین مردم کوهستانهای کرمان را بایستی در طبیعت انگیزهٔ این باورها جست. طبیعت این انگیزه برخلاف روال جوامع شهری، نه منشاء علمی صرف دارد و نه جنبهٔ هنری محض. آنچه که بر آن حاکم است مفید بودن روزمرهٔ آنست در تلاش معاش. شاید بدین سبب است که از یک نوع واقع‌بینی معصومانه و با طراوت برخوردار است.

۱- شبانه‌روز:

آغاز محاسبهٔ زمان، در بین اهل محل، از ابتدای شب و یا بکوه رفتن آفتاب شروع میشود^۱. شبانه‌روز را بدوازده قسمت زیر تقسیم میکنند.

- | | |
|--------------------|------------------|
| ۱- زرده Zardeh | ۵- سحر |
| ۲- وقت شوم V. Shum | ۶- بیوم Beyom |
| ۳- وقت خو V. Kho | ۷- سرروز Sare. R |
| ۴- نصف شو N. Sho | ۸- چاشت قربان |
| /- پیش از ظهر | ۱۱- بعدازظهر |
| ۱۰- ظهر | ۱۲- وقت خمیر |

چون ابتدای محاسبه از بکوه رفتن آفتاب شروع میشود اولین طلوع آفتاب را صبح میگویند. بنابراین معنی رایج کلمهٔ "فردا" در محل معادل است با معنی رایج کلمهٔ "پس فردا" در بین اهالی تهران. پس:

اصطلاح رایج محل		اصطلاح رایج تهران
صبح	=	فردا
فردا	=	پس فردا
پس فردا	=	پس آن فردا

یکی از عقائد جالب حشم داران محلی که بیبلاق و قشلاق میکنند اینست که هر فامیلی خود را متعلق به یکی از روزهای هفته میداند. این تعلق بطور موروثی در خاندان منتقل میشود. مثلاً فامیلی که خود را متعلق بروز سه‌شنبه میداند در آنروز از انجام پاره‌امور پرهیز میکند. کفایت این رسم برای کمک بحافظه، چوپانی که ماه‌های متوالی تک و تنها، در مراتع بگله‌دارای مشغول است نیاز بتذکر ندارد.

۲- ششه She-Sheh، هفته، دهه.

۲-۱ در بین روستائیان ثابت در محل، مفهوم هفت‌مرواجی ندارد. ولی بجای آن دو مفهوم ششه و دهه بکار گرفته میشود.

۲-۲ ششه یا شیشه. عبارتست از نگاهداشتن حساب روزها با مضرب شش. مثلاً "ششم و دوازدهم و هجدهم و بیست و چهارم الی سی و ششم بعد از عید نوروز. اعتقاد عموم بر آنست که بارندگی در این روزها رخ میدهد. بخصوص اگر روز مضرب شش با روز اول ماه و یا روز آخر ماه، که آنها را سر Sar و بن Bon ماه میگویند، مقارن شود.

در نواحی کوهستانی و نسبتاً مرطوب از جمله آبریزهای کوهستانی لاله‌زار و جبال بارز این حساب را تا شصت روز بعد از عید نوروز نگاه میدارند.

۲-۳ دهه:

نگاهدداشتن حساب دهه مهمترین وسیله تنظیم و ترتیب دادن بامور کشاورزی و چوپانی است و آن روزهای مضرب ده از نوروز به بعد است که عبارتند از دهم، بیستم، سی‌ام، الی یکصد و بیستم. مثلاً در کوهستان لاله‌زار بعد از روز شصتم دیگر سیب‌زمینی کشت نمیکند. یا آنکه ابتدای سال چوپانی از نودم است یا آنکه برای مهیا کردن گله جهت هور Hur کردن^۲ قوچ و بز نرینه را از روز یکصد و دهم از گله جدا میکنند.

در گاه‌شماری‌هایی که براساس سال شمسی ۲۶۰ روز و پنج روز مسترقه استوار است از

قبیل تقویم مصر باستان^۳ و یا تقویم اوستائی قدیم و جدید^۴ با احتمال قوی این حساب ده دهی منجر به دهگان‌های سی و شش‌گانه شده است که ارتباط نزدیک و مستقیم با مفهوم رایج پاروز Paruz یا ستار Setar دارد که در تحت این عنوان در این گزارش بتفصیل از آن ذکر خواهد شد.

۳- برج و ماه

با اطمینان نسبی میتوان گفت که اسامی فارسی ماههای سال شمسی از قبیل فروردین، اردیبهشت و الی آخر در نیم قرن اخیر بین عده‌ای از روستائیان و عشایر مدرسه رفته، مختصر رواجی، پیدا کرده است. والا در بین عامه مردم رایج و مشهور نیست. ریش-سفیدان و سالمندان عشایر با اسامی سنتی بروج حمل و ثور و اسد و غیره آشنا هستند.

۱-۳ ماه

اسامی عمومی ماههای قمری محرم و صفر و الی آخر بعلل عقیدتی در بین عامه مردم رایج است. اما بعنوان وسیله اندازه‌گیری زمان جهت انجام امور کشاورزی و گله‌داری کاربردی ندارند. لیکن بعلل مذهبی و عقیدتی در محاسبه حرکات ماه و گردش آن اهتمام زیاد دارند. بطوریکه برای ماه بیست و نه روزه و ماه سی روزه اصطلاحات جداگانه دارند.

اولی را ماه گم Gom و دومی را سی پر Si-por میخوانند.

اهمیت آگاهی بروزهای ماه از نظر رعایت سالروزهای مذهبی و احکام نجوم و تعیین ساعت نجیبی است.^۵

در رابطه با ماه، مهمترین مسئله تعیین و تشخیص ایام نحس است این ایام را در شعر زیر خلاصه کرده‌اند.

هفت روزش نحس باشد در مهبی زان حذر کن تا نیاهی هیچ رنج
سه و پنج و سیزده با شانزده بیست یک و بیست و چهار و بیست و پنج

ماه صفر از ترتیب فوق مستثنی است. تمام سیزده روز اول ماه صفر را منحوس میدانند. استثنای دیگر بر قاعده؟ فوق سیزده روز اول سال شمسی است که سیزدهم نوروز از انجام بعضی امور از قبیل خرید و فروش و قالی کار گذاشتن پرهیز میکنند. اعتقاد دارند که در روزهای نحس شروع کردن هر کاری، بخصوص مسافرت بدین است. شدت این عقیده بحدی است که مکرر دیده شده است اگر خانواده‌ای عشایری مجبور باشد در یکی از ایام نحس کوچ خود را آغاز کند قبل از فرا رسیدن شبانروز نحس چادر خود را جابجا میکنند تا علامت آن باشد که کوچ خود را در

روز سعدی شروع نموده‌اند. کوچ کردن را جاکنی میگویند.

احکام نجوم و عوارض آن مانند پیش‌بسی و پیش‌گوئی را مربوط به‌ماه میدانند، اما برخلاف نجوم رایج در شهرها که در محاسبات آن علائم منطقه البروج و وضع قرار گرفتن سیارات در آنها محاسبات پیچیده و دقیقی را لازم میدارد، احکام نجوم رایج در محل در مرحله ابتدائی باقی مانده است. قائل بارتباطی بین وضع ماه از یکطرف و صورفلکی از طرف دیگر بخصوص عقرب و ترازو و پروین می‌باشند. همانند همه مکاتب احکام نجوم ابتدائی به پیش‌گوئی و وضع جوی و کیفیت محصول اکتفا میکنند و یا احکام نجوم زائجه آشنائی ندارند.

۴- سال

سال روستائیان با سال عشایر که آنرا سال چوپانی مینامند تفاوت دارد. روستائیان آغاز سال را از نوروز محاسبه میکنند. ولی عشایر و چوپانها ابتدای سال را از آغاز تابستان و یا باصلاح محلی از حوالی نودم شمارش میکنند.

۴-۱ سال چوپانی -

سال چوپانی از پنج روز بعد از نودم یعنی روز پنجم تابستان شروع میشود و در روز نودم سال بعد خاتمه مینماید. باین ترتیب پنج روز از سال را در محاسبه منظور نمیدارند. این پنج روز را پنج روز نابر Na-bor میگویند.

در طول این پنج روز نابر است که صاحب گله و چوپان برای سالی که در پیش است و طول آن را دقیقاً "سیصد و شصت روز میدانند قرارداد می‌بندند. در پنج روز نابر صاحب گله و یا چوپان حق دارد که قرارداد سال قبل را فسخ و یا تجدید کند. بعد از پنج روز نابر نه چوپان حق دارد که گله را رها کند و نه صاحب گله حق دارد که چوپان خویش را عوض نماید. دستمزد چوپان را که هم نقدی و هم جنسی است خق سال میگویند. اگر چوپان یا صاحب گله بخواهد که قرارداد جاری را قبل از رسیدن روز نودم فسخ کند بایستی که تمامی حق سال را بطرف مقابل بپردازد.

۴-۲ سال روستائی

سال روستائی حکایت گردش فصول است. با آنکه آغاز سال از نوروز است سال بمعنی رایج در شهرها مفهومی ندارد. کمتر کسی میدانند که امسال سال ۱۳۵۸ است. برای فصول سال باصلاحات مخصوصی برخوردار نکرده‌ام. در تابستان مانند سایر نقاط قائل بدو چله معروف بزرگ و کوچکند. از شهریور ماه بطور کلی، با عنوان میزان یاد میکنند. مهرماه را مهرجون میگویند. گندمی را هم که در پاییز

میکارند گندم مهرجون میخوانند در زمستان قائل بتقسیم های زیر هستند .

- ۱ - چله بزرگ ۴۰ روز .
- ۲ - چله کوچک ۲۰ روز .
- ۳ - اهن و بهمن ۱۵ روز .
- ۴ - سیاه بهار ۱۰ روز .
- ۵ - ده روز بهار ۱۰ روز .

از اوئل پائیز به بعد اصطلاحات "سردزدن"، "سرد گرفتن"، "سرد آمدن" و "سرد گردن" در ضمن گفتگوی روزمره زیاد شنیده میشود^۵.

در ارتباط با فصول سال جمله ای در بین مردم محل رایج است که میگوید "صدبسه، پنجاه به نوروز". با احتمال ضعیف این جمله میتواند بازمانده ای از روزگاری باشد که قائل به زمستان پنج ماهه بوده اند .

۵- ستار یا پاروز

در بین ساکنین کوهستانها و کوهپایه های کرمان عقیده رایج است که شواهد زیاد حکایت از کهن سال بودن آن میکند .

اساس این اعتقاد قائل شدن بوجود ستاره، موهوم و فرضی است که عشایر محل آنرا ستار و روستائیان محل آنرا پاروز میخوانند .

به احتمالی "ستار" همان اسمی است که "ستاره" تصغیر شده آنست .

اما در باره کلمه پاروز میدانیم که در محل مراد از کلمه "روز" خورشید است . مثلاً "گل آفتاب گردان" را "گل روزگردان" میگویند . یا برای توصیف تصویر ناپدید شدن آفتاب در پشت کوه اصطلاح "روز بکوه رفت" مصرف میشود .

"پا" را بمعنی "نزدیک"، "همسایه"، "مجاور" بکار می برند که موارد دیگر کاربرد آنرا در ترکیبات "کوهپایه"، "پایان" و "طاق" می بینیم .

تصویر ذهنی پاروز معادل است با تصویر ستاره ای که در سپیده صبح اندکی قبل از برآمدن آفتاب از افق طلوع میکند و طبیعتاً آخرین ستاره ایست که نزدیک طلوع آفتاب از افق برمی آید . بعلاوه واضح است که بعلت مجاورت وقت طلوع آن با طلوع خورشید مدت روئیت آن کوتاه و محدود است^۶.

ظاهراً اعتقاد به پاروز منشاء رسوم چندی شده است . آنچه که در اینجا مطرح میشود بعنوان مثال و در رابطه با نیت سفر است .

۱-۵ ابتدا با تصویری که اهالی محل از مفهوم جهت دارند آشنا میشویم . مردم محل

قائل به ده جهت میباشد که نزدیکترین معادلی که برای آنها بذهن گزارشگر می‌آید با در نظر گرفتن نظم محلی عبارتند از :

۱ - مشرق ، ۲ - شرق جنوبی ، ۳ - جنوب ، ۴ - غرب جنوبی ، ۵ - غرب ، ۶ - غرب شمالی ، ۷ - شمال ، ۸ - شرق شمالی ، ۹ - بالا ، ۱۰ پائین^۷

اصل تصویر ذهنی این است که ستاره^۸ موهوم پاروز ، که در روز اول ماه طلوع میکند در ظرف ده روز متوالی این ده جهت را از قرار روزی یک جهت می‌پیماید. بطوریکه در روز یازدهم دوباره در جهت (اول) یعنی شرق قرار میگیرد و تا روز بیستم ماه یکبار دیگر در جهات دهگانه واقع میشود . این گردش در سومین دهه^۹ هر ماه نیز تکرار میشود .

۵- رسم پاروز نگهداشتن

کسانی که به پاروز و اثر آن اعتقاد دارند هیچگاه بجهتی که پاروز در آن واقع شده است سفر نمیکنند .

بنابراین در طول ماه بایستی ، با در نظر گرفتن روز ماه از سفر کردن در جهت معین خودداری نمود . قاعده^{۱۰} این پرهیز بر تصورات زیر استوار است .

الف - واحد گذشت زمان ده روز بده روز است .

ب - هر یک از روزهای ماه به یکی از جهات دهگانه تعلق دارد . حساب تعلق روزهای ماه به هر یک از جهات نظم زیر را دارد .

متعلق بشرق	اول و یازدهم و بیست یکم
بشرق جنوبی	دوم و دوازدهم و بیست و دوم
جنوب	سوم ، سیزدهم و بیست و سوم
بغرب جنوبی	چهارم و چهاردهم و بیست و چهارم
بغرب	پنجم و پانزدهم و بیست و پنجم
بغرب شمالی	ششم و شانزدهم و بیست و ششم
بشمال	هفتم و هفدهم و بیست و هفتم
بشرق شمالی	هشتم و هیجدهم و بیست و هشتم
به بالا	نهم و نوزدهم و بیست و نهم
به پائین .	دهم و بیستم و سی ^۸

همانطور که قبلاً^{۱۱} اشاره شد مفهوم ستار یا پاروز با همین خصوصیات اصلی یعنی آخرین ستاره‌ای که قبل از طلوع خورشید از افق برمیآید و ده روز به ده روز جایش

را بستاره^۹ دیگر می‌سپارد در نجوم مصر باستان رواج کامل داشته که بعدها در احکام نجوم رخنه نموده و از ارکان آن شده است. تفاوت اصلی مابین مفهوم رایج در کوهستان کرمان با مفهوم رایج در گاه‌شماری مصر باستان در این است که در کرمان این پدیده را با حرکات ماه مربوط میدانند و حال آنکه در نجوم مصر باستان مربوط بسال ۳۶۰ روزه بوده است.

۶- ستارگان و صور فلکی مشهور

از روستائیان و چوپانان محل مکرر شنیده میشود که "امشب با عقرب کار میکنم و میش بره را کمکی میکنم". ستارگان و صورفلکی در اثنای شب، بخصوص قبل از رواج ساعت مچی وسیله^{۱۰} کار مردم بودند و هنوز هم هستند. با نگاه کردن با آنها وقت‌های شب را معین میکنند و موقع حرکت گله و آمادگی جهت دوشیدن شیر را مشخص مینمایند. اهم این ستارگان و صورفلکی که مردم محل با آنها آشنا هستند عبارتند از:

۱-۶ پور و عقرب

پور که همان صورت فلکی پروین است و صورت فلکی عقرب دو وسیله^{۱۱} اساسی کار شبانه روستائیان و چوپانها می‌باشد.

در باره^{۱۲} پور ضرب‌المثلی در محل رایج است که میگوید:

پور به سحر	داس بکمز
پور وقت شوم	تخم میکشوم ^{۱۳}

مراد از این ضرب‌المثل آنست که ظاهر شدن پروین در افق بهنگام غروب حکایت از رسیدن زمان بذر کاشتن میکند و اگر در سحر در افق ظاهر شود موقع درو است. نقش عقرب در تصورات و اعتقادات مردم از هر صورت فلکی دیگر زیادتر است. دقت زیادی در وضع قرار گرفتن ماه نسبت باین صورت فلکی دارند. با در نظر گرفتن فاصله ماه با اجزاء این صورت فلکی وضع بارندگی و کیفیت محصول را در سالی که در پیش است پیشگوئی میکنند.

چون پور و عقرب هیچگاه با هم در آسمان شب دیده نمیشوند هرگاه دونفر باهم کدورت شدید داشته باشند و از دیدن یکدیگر اجتناب ورزند میگویند که آندو نفر مثل پور و عقرب هستند.

۲-۶ جفتان‌ها Joftan

برای تشخیص روز سده و روز نوروز از دو صورت فلکی که هردوی آنها را جفتان میگویند کمک میگیرند. هریک از جفتان‌ها از دو جفت ستاره تشکیل میشوند. قائل

سده چوپانی و سده سلطانی و هم چنین نورز چوپانی و نوروز سلطانی میباشد که مابین آنها سه روز فاصله است. سده چوپانی مطابق است با هفتم بهمن و نوروز چوپانی روز بیست و هفتم اسفند قرار میگیرد.

بکوه رفتن اولین جفت‌های صورت‌های فلکی نامبرده علامت سده و نوروز چوپانی و بکوه رفتن دومین جفت‌ها علامت سده و نوروز سلطانی است.

۳-۶ بنات‌النخش، سهیل و ستاره قطبی

از بنات‌النخش با اصطلاحات چهار برادران و سه خواهران یاد میکنند و اعتقاد دارند که ستاره سهیل پدر آنها را بقتل رسانده است. چهار برادران، بقصد تلافی خون پدر در حال حمله بدو هستند. اما دو ستاره فیما بین که ستاره‌های آخوندی هستند میانجیگری میکنند.

ستاره سهیل را میشناسند و شنیده شد که از آن با عنوان ستاره اول تیرماه و ستاره گرما هم یاد کردند. اعتقاد دارند که بعد از پدیدار شدن سهیل اگر پایه واستین Payeh و Estyn بزند سالی که در پیش است ترانسالی و پر برکت باشد.

ستاره قطبی در هنگام شب کار دسته ساعت را انجام میدهد شب هنگام روبروی آن میایستند. با تخمین زدن فاصله سایر ستارگان و صور فلکی با شانه‌ها و کردن و گوش‌ها و فرق سر، ساعت شب را معلوم میدارند. ۱۱

۷- ستاره رو رو

آسمان کوهستان کرمان، شب هنگام چنان پاک و صاف است که ساکنین آنجا هر شب گذرا اقمار مصنوعی را در جهات مختلف شاهد هستند و به آنها اهل محل ستاره رو رو میگویند. هم‌اکنون این پدیده جدید آسمانی در ادببات مردمی و محلی رسوخ نموده و دوبیتی زیر نمونه‌ای از این امر است.

ستاره رو رو به آسمان

زلو رفته چکن بند دلم خون
سلام از من به باباش میرسانی

نگهدار زلیخا پیر چوغون ۱۲

پاورقی

۱- خود کلمه "شبانروز" و هم چنین این بیت مسعود سعد سلمان

همیشه تاریکی اول حساب بود باید آخر عمر ترا بسال حساب

حکایت از قدمت و اصالت این مفهوم میکند.

- ۲ - هور کردن رسم خاصی است که گوسفندداران محلی از آن برای تنظیم موقع زائیدن گوسفند و اصلاح نژاد استفاده میکنند و بطور خلاصه عبارتست از جدا کردن قوچ و بز نرینه، خوش نژاد در روز معین از بقیه، گله. برای مدت معلوم از قوچ و بز نرینه پذیرائی شایان از جهت علوفه و استراحت بعمل میآورند. بخصوص سعی دارند که نرینه، باصطلاح محل، دست شاش شود (بمنظور تحریک غریزه جنسی)، آنگاه با در نظر گرفتن ایامی که مایلند گوسفندان در آنزمان بزایند، در روز معین، گله، گوسفند را در دره یا گودالی که از نظر دور باشد پنهان میکنند. نرینهها را زنگ زده آذین می بندند. دختری هفتساله را بر قویترین آنها سوار میکنند و از زیر آینه و قرآن رد میکنند و لااقل دختر هفت قدم سوار است. موسیقی مینوازند و شیرینی میخورند. آنگاه نرینه را در میان گله رها میکنند.
- ۳ - برای کسب اطلاع درباره، گاهشماری مصر باستان و دهگانها رجوع کنید به کتاب *The Exact Sciences in Antiquity* by O. Neugebauer.
- ۴ - رجوع کنید به کتاب گاهشماری در ایران قدیم از سیدحسین تقی زاده، صفحه ۱۵۹ به بعد.
- ۵ - تعیین لحظه سعد یا نحس را ساعت نجیبی و گاهی ساعت خوشی می گویند.
- ۵ - برای توجه به قدمت این اصطلاح رجوع کنید به کتاب گاهشماری در ایران قدیم صفحه ۸۳ و هم چنین، اصلاحات مربوط به صفحه ۱۸۳ چاپ جدید کتاب.
- ۶ - برای آگاهی از اهمیت این مفهوم که در نجوم غرب از آن با اسم دکان Decan یاد میکنند و معنایش دهگان است کافی است بخاطر بیاوریم که در بیش از نیمی از طول تاریخ مکتوب تمدن انسانی این ستاره و یا دقیق تر بگوئیم صور فلکی که در طول سال شمسی نقش این ستاره را دارند، مبداء و اساس حساب نگاهداری زمان هم در طول سال و هم در طول شب بوده اند.
- ۷ - شاید که این شعر انوری از همین نوع تصویر متأثر است.
- تا که باشد سمت میل آفتاب که جنوب از روی دوران گه شمال
- ۸ - همین نوع نظم در ذکر احکام ستاره، سکز پلدوز در صفحه ۹۴ کتاب جامع الدعوات کبیر، قطع جیبی از انتشارات کتابفروشی اسلامیه دیده میشود. اما در چاپ دیگر همین کتاب از همین ناشر این ذکر حذف شده است.
- ۹ - شاعر یونان باستان هوسیودس نیز شعری دقیقاً با همین مضمون دارد که چنین

شروع میشود :

"دختران اطلس بهنگام طلوع صبحگاهی پروین خرمن کردن آغازیدند و بهنگام طلوع شامگاهی درو کردن را"

۱۰- پایه = رعد ، استین = برق .

۱۱- در رابطه با دکان‌ها این روش جهت تعیین ساعات شب در مصر باستان رواج داشته است . رجوع کنید به لوحه ششه در کتاب

The Birth of Astronomy by L. Van Der Waerden

۱۲- پیرچوغان Choghan زیارتگاهی است که در سرراه جیرفت به میناب و بعد از گذار رهور Rahdar واقع است و در بین ایلات بعنوان صاحب کرامات مشهور است .



اشتراک کتاب

سازمان کتاب بمنظور ایجاد سهولت جهت کتابخانه‌ها و کتابدوستانی که فرصت کافی مراجعه به کتابفروشی ندارند آمادگی دارد که طبق توافق قبلی آن نوع از کتابهایی را که مورد علاقه، درخواست‌کننده است به ترتیب انتشار با پست سفارشی بفرستد . شرایط به شرح زیر است :

- ۱- خواستار موافقت کند که این سازمان در موضوعهای تعیین شده توسط خواستار، کتابهای تازه چاپ را تا میزان حداقل ده هزار ریال (در مورد اشخاص) و پنجاه هزار ریال (در مورد کتابخانه‌ها) در سال انتخاب و ارسال کند . وجه مذکور از طرف خواستار بطور پیش‌پرداخت در موقع عقد قرارداد پرداخت خواهد شد .
- ۲- سازمان کتاب مخارج پست سفارش ارسال کتب را می‌پردازد .

کتابخانه یا مجموعه کتابهای زیادی ، قدیمی

شما را خریداری می‌کنیم . سازمان کتاب . تلفن : صبحها ۲۷۰۸۱۵ - بعدازظهرها